

زبان‌شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصل‌نامه علمی - پژوهشی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ۱۰۷-۱۲۹

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها

احسان نظری باوندپور*

یحیی مدرسی**، آریتا افراشی***

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به مقوله‌ی خارجی و تأثیر متغیر اجتماعی جنسیت بر این بازنمود است. این پژوهش در چارچوب نظری زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی انجام می‌گیرد و مبتنی است بر تحلیل کمی داده‌های به دست آمده از شیوه‌ی پیمایشی به وسیله‌ی پرسش‌نامه از یک سو و مقایسه‌ی این یافته‌ها با داده‌های به دست آمده از تحلیل کیفی که خود بر مبنای گفتگو بنا شده‌اند. در این پژوهش در مجموع ۴۱۲ نسخه پرسش‌نامه به شیوه‌های مذکور جمع‌آوری شده و با استفاده از آزمون‌های آماری (شامل آزمون تی تک‌متغیره و آزمون تی دو متغیر مستقل) به این نتیجه رسیده‌ایم که به طور کلی بازنمودهای زبانی نشان می‌دهند نگرش چندان مثبتی در جامعه‌ی هدف نسبت به خارجی‌ها وجود ندارد و پیش‌فرض‌های نه چندان مثبت، حتی از سوی زنان بیشتر از مردان هستند. در طراحی پرسش‌نامه‌های این پژوهش از یک آزمون زبان‌شناختی به نام آزمون اما استفاده شده و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که آزمون مذکور می‌تواند در بررسی نگرش‌های زبانی مورد نظر مابه کار رود.

* دانشجوی دکتری، پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران (نویسنده مسئول)،
ehsan.nazari@gmail.com

** استاد پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،
ymodarresi@yahoo.com

*** استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،
a.afraشي.ling@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۶

کلیدواژه‌ها: جامعه‌ی فارسی زبان، بازنمود زبانی، جنسیت، زبان‌شناسی اجتماعی - شناختی، آزمون اما

۱. مقدمه

این پژوهش با استفاده از رویکرد زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی به بررسی بازنمود زبانی نگرش‌های اجتماعی جامعه‌ی فارسی زبان به اتباع خارجی پرداخته‌است و تلاش دارد میزان تأثیر شاخص اجتماعی جنسیت بر این نگرش‌ها را بسنجد. مقاله‌ی حاضر بخشی از دستاوردهای یک پژوهش گسترده‌تر را بازمی‌نماید. در مطالعه‌ی پیش رو برای دستیابی به نگرش‌های جامعه‌ی هدف از ابزارهای زبانی استفاده شده است؛ بر این مبنا این پژوهش موضوعی شناختی را در بستر اجتماع و با استفاده از ابزار زبانی سنجیده است و به این اعتبار پژوهشی در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی شناختی محسوب می‌گردد. در این پژوهش به دنبال پاسخ این پرسش‌ها هستیم که بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان نسبت به خارجی‌ها چگونه است؟ عامل جنسیت در این بازنمود تا چه میزان تأثیر دارد؟ و بالاخره اینکه آزمون اما به عنوان یک ابزار زبانی تا چه اندازه توانایی سنجش این بازنمودهای زبانی را دارد؟

از نخستین دورانی که زبان‌شناسی نوین به عنوان یک علم پا به عرصه‌ی وجود گذاشته، همواره جنبه‌ی اجتماعی زبان مورد توجه متفکرین و پژوهشگران این عرصه بوده است. چنانچه سوسور (۱۳۹۲: ۲۸)، می‌گوید "مطالعه‌ی قوه‌ی ناطقه شامل دو بخش است: نخست بخش اصلی که در جوهر خود، اجتماعی و مستقل از فرد است و زبان موضوع آن به شمار می‌رود. ... بخش دیگر که در درجه‌ی دوم اهمیت قرار می‌گیرد، بخش فردی قوه‌ی ناطقه یعنی گفتار است ... " این جنبه‌ی اجتماعی هرگز از نظر زبان‌شناسان دور نمانده، هرچند در برخی دوره‌ها کمتر مورد توجه بوده و یا برخی آن را قابل مطالعه نمی‌دانسته‌اند. اما از زمانی که پژوهش‌های افرادی چون لباو جنبه‌های کمی مطالعات اجتماعی زبان را نیز قابل دسترسی کرد، این بخش از زبان‌شناسی انرژی مضاعف یافت. از دیگر سو جنبه‌ی شناختی زبان نیز همواره مورد عنایت زبان‌شناسان قرار داشته، هرچند شاید اشاره به این حوزه تحت عنوان شناخت سنتیچندان قدیمی نباشد. حتی سوسور (۱۳۹۲: ۱۵) که او را با عنوان پدر زبان‌شناسی نوین می‌شناسیم ابراز می‌دارد: "زبان فی‌نفسه مجموعه‌ای جامع و نوعی اصل طبقه‌بندی است." و در جای دیگر (۱۳۹۲: ۲۲ و ۲۳) با وضوح بیشتر اعلام می‌کند: "به دلیل

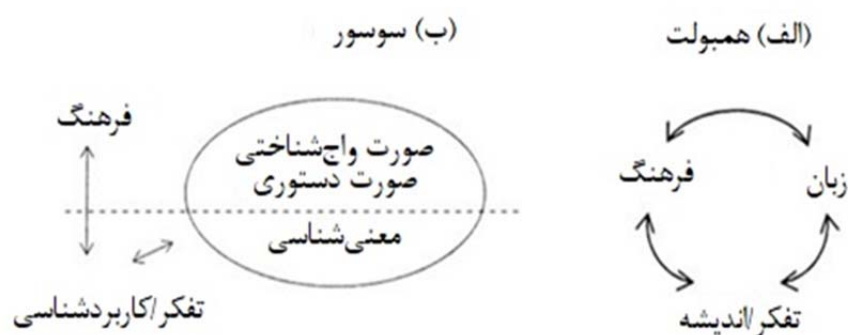
تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۰۹

ذهنی بودن نشانه‌های زبانی نمی‌توان آنها را انتزاعی دانست؛ از آنجا که این پیوندها مورد پذیرش همگانند و مجموعه‌ی آنها زبان را می‌سازد، باید آنها را حقایقی دانست که جایگاهشان مغز انسان است. " این زاویه‌ی نگاه همواره علاقه‌مندانی در میان اندیشمندان داشته و امروزه شاکله‌ی اصلی زبان‌شناسی شناختی را می‌سازد. " زبان‌شناسی شناختی مطالعه‌ی زبان در کارکرد شناختی آن است، و شناخت به نقش حیاتی ساختارهای اطلاعاتی میانجی در برخورد ما با جهان اشاره دارد، زبان‌شناسی شناختی همان برخورد با مقوله‌ی شناخت در مسیری مشابه روان‌شناسی است " (Geeraerts and Cuyckens, 2007:5). " حوزه‌ای که آن را **زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی** می‌نامیم... توجه خاصی به دانش و ادراکی که گویشوران از زبان خود در کاربرد اجتماعی‌ان دارند (شامل آگاهی در مورد محیط‌های ارتباطی، فرایندهای برهم‌کنش، تنوعات و تغییرات زبانی و راه‌هایی که اینطور چیزها درک می‌شوند) مبذول می‌دارد (Moreno-Fernández, 2017: 7).

۲. مبانی نظری و پیشینه

این پژوهش در چارچوب نظری زبان‌شناسی اجتماعی شناختی انجام شده است. در مطالعات علمی امروزین نگاه‌های میان‌رشته‌ای و چند بعدی جزء لاینفک کارهای پژوهشی است و تقریباً کسی در لزوم این نوع نگاه‌ها تردید به خود راه نمی‌دهد. با وجود جوان بودن این حیطه از دانش زبان‌شناسی، به دلیل ریشه داشتن آن در حوزه‌هایی که در دوره‌های قبلی نیز مورد توجه بوده‌اند و همبستگی آن به رشته‌های همسایه و همچنین قوت گرفتن از علوم اجتماعی و شناختی، علاوه بر زبان‌شناسی، باعث شده که زمینه‌های نظری در این خصوص از قوام کافی برخوردار باشند. به طور خلاصه می‌توان گفت چارچوب نظری به کار رفته در این پژوهش مطابق با الگوی لیکاف (Lakoff, 1987) است که در صدد ارائه‌ی پیش‌نمونه‌ی **مادر** در اثر خود برآمده است. در پژوهش مذکور لیکاف ادعا می‌کند در عبارت‌هایی چون "او مادر است، اما خانم خانه نیست." و "او مادر است، اما خانم خانه است."، جمله‌ی اول از اینرو پذیرفتنی است که بند اول آن پیش‌نمونه‌ی فرهنگی مادر را مطرح می‌کند و بند دوم متناقض با آن است، حال آنکه جمله‌ی دوم پذیرفتنی نیست، چراکه این ویژگی را در خود ندارد. لیکاف این تمایز را به عنوان یک موضوع شناختی فرهنگی مطرح کرده است که با استفاده از ویژگی زبانی اما قابل مطالعه است.

همبولت را می‌توانیکی از پیشگامان نظریاتی دانست که به پیوستگی مقولات زبان، تفکر و فرهنگ باور داشته‌اند؛ دیرون، ولف و پلزنهاگن (Dirven, Wolf and Polzenhagen, 2007:1203) نظریات همبولت و سوسور در این رابطه را چنین تشریح می‌کنند: نظریه‌ی زبان و فرهنگ، آنچنان که در دوره‌ی پیش‌شناختی زبان‌شناسی و مردم‌شناسی ایجاد شده بود، با همبولت شروع شد و توسط سوسور به شدت دچار دگرذیسی شد. در سده نوزدهم سنت همبولتی، زبان، تفکر (Geist) و فرهنگ از یک واحد جدانشدنی هستند. همبولت ارتباط میان تفکر و زبان را بیشتر دوجانبه پنداشته است تا یک‌جانبه. تفکر در زبان بیان می‌شود؛ همچنین همزمان زبان به تفکر شکل می‌دهد. همچنین دیدگاه همبولتی ارتباط میان زبان و تفکر را با این توضیح، دوجانبه می‌پندارد: برای همبولت زبان ویژگی‌ای از فرهنگ مردم است و جهان واقعی را به ویژگی تفکر ممزوج می‌کند. در تمایزی آشکار با دیدگاه او در مورد یکپارچگی میان شناخت، زبان و فرهنگ، سوسور، پدر زبان‌شناسی نوین، زبان را شکلی صرف از تفکر نمی‌بیند، بلکه آن را نظامی خودمستعمل (self-contained) با سازمان و طبقه‌بندی محتویات می‌داند. به زبان دیگر، برای سوسور، معناشناسی در تقابل میان صورت واجی/نحوی/فرهنگی، در یک سو و شناخت از سوی دیگر، قلمرویی خودمختار است. در واقع این دیدگاه به معنای شروع جدایی میان معناشناسی، به عنوان بخشی از قوه‌ی نطق، و سایر قوای شناختی است. دیدگاه سوسور با عنوان معناشناسی ساختاری (structural semantics)، با جدایی کامل میان زبان و تفکر، شناخته شد. تقابل میان دیدگاه همبولتی و سوسوری به معناشناسی می‌تواند به صورت نمودار ۱ (منطبق بر بیکل (Bickel, 2000: 162) است) خلاصه شود، که مبین طبیعت کل‌گرای رویکرد همبولت است.



نمودار ۱. معنی‌شناسی همبولتی در مقایسه با سوسوریه نقل از دیرون، ولف و پلزنهاگن ۲۰۰۷

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۱۱

بررسی پیچیدگی‌های زبان از دیرباز مورد توجه اندیشمندان، فلاسفه و دانشمندان بوده، اما زبان به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی از یک سو و یکی از نمودهای شناخت بشری از سوی دیگر طی قرن گذشته و با گسترش علوم اجتماعی و به وجود آمدن علوم شناختی هرچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از نگاه‌های رایج به زبان، نگرش به این پدیده به عنوان یک نظام ارتباطی و از این رو یک پدیده‌ی اجتماعی است، چنانکه وارداف (۱۳۹۳: ۳۱) عمده‌ی پژوهش‌های زبانی را در ارتباط با بنیاد اجتماعی آن می‌داند. از سوی دیگر و با توجه به رونق و فراگیر شدن علوم شناختی طی دهه‌های اخیر و رواج رویکرد شناختی به زبان، بررسی جنبه‌های شناختی این پدیده‌ی اجتماعی نیز مورد توجه قرار گرفته و برخی پژوهشگران دانش زبانی را نتیجه‌ی بلافصل کاربرد آن می‌دانند و این موضوع را از دیدگاهی شناختی مورد بررسی قرار می‌دهند؛ به گفته‌ی کرافت و کروز (Croft and Cruse, 2004: 3-4): "دانش زبانی از کاربرد آن تکوین می‌یابد. این مقولات و ساختارها هستند که در معنی‌شناسی، نحو، ساخت‌واژه و واج‌شناسی بر مبنای شناخت ما از گفته‌ای به خصوص، در موقعیت کاربردی به خصوص، ساخته می‌شوند." برای روشن شدن اینکه مقولات شناختی از چه زاویه‌ای وارد علم زبان‌شناسی شده‌اند، بهتر است بدانیم که: "زبان‌شناسی شناختی به شدت در تکوین علوم شناختی نوین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، به ویژه در کارهای مربوط به مقوله‌بندی بشری و سنت‌های پیشین‌تر مانند روان‌شناسی گشتالت، ریشه دارد (Evans and Green, 2006: 3)".

گیرارتس (Geeraerts, 2018: 2) گرایش اجتماعی را چشم‌انداز پیش روی زبان‌شناسی شناختی می‌داند: و وظیفه‌ی این رویکرد را مرتبط با پیوند بافت زبانی و زبان می‌پندارد: "زبان‌شناسی شناختی از رویکردهایی است که به بازبافت‌مندسازی زبان می‌پردازد و همانگونه که فهمیده‌اید، نگاه به بافت اجتماعی زبان، نمود حیاتی این گرایش به بازبافت‌مندسازی است." (Geeraerts, 2018: 2). از آنجا که پژوهش حاضر در واقع در صدد بررسی پیش‌نمونه‌های اجتماعی و کلیشه‌ها است؛ در ادامه به طور خلاصه به معرفی این مفاهیم می‌پردازیم. گیرارتس (Geeraerts, 2018: 21) به عنوان یکی از پژوهشگرانی که طی سال‌های اخیر در زمینه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی شناختی آثار فراوانی تألیف کرده، مفهوم کلیشه را از حوزه‌های کمتر کاویده شده می‌داند: "ارتباط میان مفهوم پیش‌نمونه‌ی آنگونه که توسط الینور رُش (Eleanor Rosch) متداول شد و مفهوم کلیشه (stereotype) به صورتی که توسط هیلاری پُتنام (Hilary Putnam) تعریف شد، تا اندازه‌ی زیادی در بستر زبان‌شناسی

شناختی کنکاش نشده باقی مانده است." و در خصوص کلیشه به این صورت توضیح می‌دهد: "در نهایت کلیشه‌ها را به نوعی پیش‌نمونه‌های اجتماعی برمی‌شمرد. (Geeraerts, 2018: 27)" در واقع شاید بتوان همینجا را نقطه‌ی اتصال اصلی زبان‌شناسی اجتماعی و زبان‌شناسی شناختی دانست؛ چرا که پیش‌نمونه‌ی اجتماعی، یعنی مفهوم شناختی در بستر اجتماع و بررسی چنین موضوعی می‌تواند یک حوزه‌ی میان‌رشته‌ای را تشکیل دهد.

در خصوص پیشینه‌ی پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی بازنمودهای زبانی و نگرش‌های اجتماعی انجام شده باید گفت، هرچند در ایران کارهای چندانی در خصوص نگرش‌های اجتماعی و تأثیر و تأثر متقابل آنها با مسائل زبان‌شناختی انجام نشده و این حوزه تقریباً نو محسوب می‌شود چنانکه به نظر می‌رسد پایان‌نامه‌ی نظری (۱۳۹۷) یکی از معدود آثاری است که به طور مفصل و میدانی به موضوع تأثیر نگرش‌های اجتماعی بر رفتارهای زبانی پرداخته است، اما در سطح جهانی آثار متنوعی را می‌توان یافت که به پژوهش در این خصوص پرداخته‌اند. برای مثال کراس و چیو (Krauss and Chiu, 1998) در مقاله‌ی خود تأثیر و تأثر رفتارهای اجتماعی و زبان را بررسی کرده‌اند و در این بین به تغییرات بازنمودهای زبانی نیز پرداخته‌اند. در مجموعه مقالاتی سه جلدی که مارلیس و بومان (Hellinger and Bußmann, 2001) ویرایش کرده‌اند، در یک مطالعه‌ی بین‌زبانی به طور مفصل به نمود زبانی جنسیت در زبان‌های مختلف پرداخته شده است، البته این مجموعه بیشتر به بازنمود دستوری جنسیت (مذکر و مونث بودن) در زبان‌های مختلف پرداخته است. گوینیر (Nicole Gueunier, 2003) در مقاله‌ای به مبانی نظری بازنمودها و زبان‌شناسی اجتماعی پرداخته است. اسپیلمن و همکاران (Speelman et al, 2013) در کار پژوهشی خود در حوزه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی به بررسی نگرش‌های زبانی اقدام کرده‌اند. بیکر (Kesumawati A. Bakar, 2014) در مقاله‌ی خود نتایج یک پژوهش پیکره‌بنیان را مطرح کرده که بازنمود جنسیت را مورد مطالعه قرار داده است. لئون (ErezLevon, 2014) به بررسی مقوله‌ها، پیش‌نمونه‌ها و درک جنسیت در زبان پرداخته است. یانوس (Ianos, 2014) در رساله‌ی دکتری خود به بررسی بازنمودهای زبانی در جوامع چندزبانه پرداخته و به طور ویژه بر دانشجویان مهاجر در منطقه‌ی کاتالونیا تمرکز کرده است. سامارینا و پولیاکوا (Samarina and Poliakova, 2018) در مقاله‌ی خود به بررسی بازنمود زبانی کلیشه‌های جنسیتی در تبلیغات انگلیسی پرداخته‌اند. در خصوص پژوهش‌های ایرانی می‌توان گفت، یکی از معدود پژوهش‌های زبان‌شناسانه‌ی ایرانی که بر روی نگرش‌های اجتماعی تکیه کرده و

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۱۳

نگاهی شناختی به موضوع انداخته و در واقع می‌توان آن را مرتبط به زبان‌شناسی اجتماعی-شناختی دانست، مظفری (۱۳۹۳) است که در آن نگرش گویشوران استان فارس نسبت به گونه‌ی شیرازی و گونه‌ی معیار فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. صفار مقدم و رستم‌بیک نفرشی (۱۳۹۶) به بررسی ادراک گویشوران فارسی زبان از تنوع سبکی در زبان فارسی پرداخته‌اند و در چارچوب گویش‌شناسی ادراکی نحوه‌ی ادراک گویشوران فارسی را از میزان رسمی بودن جملات زبان فارسی سنجیده‌اند. داوری اردکانی و همکاران (۱۳۸۹) و قلی‌فامیان (۱۳۹۵) و برخی آثار دیگر نیز هرکدام به جنبه‌هایی از نگرش‌های زبانی پرداخته‌اند. همه‌ی این پژوهش‌ها به بررسی‌های جامعه‌شناسی زبان پرداخته‌اند، اما همچون برخی پژوهش‌های دیگر، بیشتر به نگرش گویشوران به گونه‌ای از بان توجه داشته‌اند و تا جایی که نگارنده موفق به بررسی شده، پژوهشی در خصوص تأثیر نگرش‌های اجتماعی بر رفتارهای زبانی گویشوران فارسی، که موضوع مورد اهتمام این پژوهش بوده، انجام نگرفته است.

در خصوص پیشینه‌ی استفاده از **آزمون امانیز** که ابزار زبانیی کار رفته در این پژوهش برای بررسی کلیشه‌ها است، می‌توان گفت، به طور خاص لیکاف (Lakoff, 1987) به کاربرد مشروح **آزمون اما** در استخراج کلیشه‌های اجتماعی پرداخته و ایده‌ی اصلی پژوهش حاضر هم از همینجا سرچشمه گرفته است؛ کوچش (۱۳۹۵: ۱۸۳) نتیجه‌ی پژوهش لیکاف را چنین تبیین می‌کند:

آزمون اما ظاهراً حاکی از آن است که هنوز کلیشه‌ی مادر خانه‌دار انتظارات اجتماعی ما را تعریف می‌کند. جمله‌های او **یک مادر است اما سر کار می‌رود** (در مورد مادر شاغل) و ... او **یک مادر است اما با بچه در خانه می‌ماند** (در مورد مادر-در-خانه) را در نظر بگیرید. ... جمله‌ی دوم، نسبت به جمله‌ی اول، کمتر قابل قبول است. تا آنجا که می‌توانیم با این آزمون قضاوت کنیم، این نشان می‌دهد که هر دو نوع مادر نام متعارف دارند [نام‌های متعارف اشاره شده برای فرهنگ آمریکایی بوده نه فرهنگ ایرانی]، هنوز کلیشه‌ی مادر خانه‌دار (مادر-در-خانه) نقش حالت پیش فرض را بازی می‌کند.

در این پژوهش از **آزمون اما** به عنوان یک ابزار زبان‌شناختی برای بررسی بازنمود زبانی نگرش‌های گویشوران زبان فارسی استفاده شده. استفاده از **آزمون اما** در پژوهش‌های زبان‌شناختی پیشینه‌ی قابل توجهی داشته و طی چند دهه‌ی گذشته این موضوع به قدر کافی در پژوهش‌های مختلف جلا خورده و قوام یافته است. به نظر می‌رسد نخستین کاربرد این

آزمون در پژوهش‌های زبانی دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی به ثبت رسیده است. تاریخ نخستین کاربردهای آزمون مورد نظر را لپکا (Lipka, 1972: 59) که خود یکی از پیشگامان این راه بوده چنین شرح می‌دهد:

دراثر وینریچ (Weinreich, 1966: 449) انگیزشی برای مشخصه‌های معنایی به خصوص داده نشده، ولی حرف ربط اما به صورتی دیگر، و به شکل غیرمتظره‌ای به عنوان یک ابزار تجربی کارا جهت آزمون حالت معنایی جمله مطرح شده است. معرفی اما تأثیری شوکه‌کننده در جمله‌ی اینیک صندلی است، اما می‌توان روی آن نشست دارد (Weinreich, 1966: 448). وینریچ به بندیکس (Bendix, 1966: 23-31) ارجاع می‌دهد که زودتر برای اثبات اجزای معنی از این آزمون استفاده کرده بود. می‌توان بندیکس و وینریچ و در پس آنها کتز (Katz, 1967) و لپکا را جزء نخستین پژوهشگرانی دانست که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی در پژوهش‌های خود با استفاده از خواص منطقی حرف ربط اما استنتاج‌هایی به دست داده‌اند و آزمون مورد نظر ما را به کار برده‌اند.

در دهه ۱۹۸۰ میلادی نیز این آزمون همچنان مورد توجه پژوهشگران بوده، چنانکه در اثر کروز (Cruse, 1986: 17) می‌خوانیم: برای شناسایی مشخصات پیش‌بینی شده، محتمل و پیش‌بینی نشده آزمون اما بسیار کارساز است. یکی از واضح‌ترین استنادها به آزمون مذکور که در اثر لیکاف (۱۳۹۵: ۱۵۲) انعکاس یافته‌ها می‌بینیم:

واژه‌ی امادر زبان انگلیسی (but) برای مشخص ساختن موقعیتی به کار می‌رود که، با مدلی که نقش هنجار دارد در تضاد است. مدل‌های کلیشه‌ای می‌توانند نقش هنجار داشته باشند:

هنجار: او مادر است، اما خانم خانه نیست.

عجیب: او مادر است، اما خانم خانه است.

جمله‌ی دوم فقط در صورتی به کار می‌رود که مادرهای کلیشه‌ای خانم خانه‌دار نباشند. برعکس، مقوله‌ای که در تقابل با یک کلیشه تعریف می‌شود ویژگی‌های متضاد دارد.

هنجار: او مادر است، اما شاغل است.

عجیب: او مادر است، اما شاغل نیست.

یکی از آثار مهمی که از این شیوه برای توضیح مقوله‌ی فرهنگی-اجتماعی استفاده کرده و جزء آثاری بوده که ایده‌ی انجام پژوهش حاضر را نیز ایجاد کرده اثر لیکاف (Lakoff, 1987) با عنوان *زنان، آتش و چیزهای خطرناک*^۱ است، که در بخش مبانی نظری نیز به آن

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۱۵

اشاره شد. در اثربخشی (Gibbs, 1990: 439-440) استفاده از **آزمون اما** برای سنجش یک مدل فرهنگی از پدیده‌ی خشم به تفصیل توضیح داده شده است. و در نهایت یکی از جدیدترین آثاری که در آن به استفاده از **آزمون اما** اشاره شده و اتفاقاً این آزمون را برای سنجش یک مدل فرهنگی به کار برده، کتاب دیگری از گیبز (Gibbs, 2017: 132) است.

تا آنجا که نگارنده موفق به جست‌وجو شده، در پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده، تا به حال از **آزمون اما** استفاده نشده است، از این رو همین موضوع یکی از جنبه‌های نو بودن پژوهش حاضر است، که در آن آزمون مورد نظر در خصوص زبان فارسی و جامعه‌ی فارسی‌زبان به کار رفته است.

۳. روش پژوهش

تکیه‌ی اصلی این پژوهش بر گردآوری میدانی داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و تحلیل کمی داده‌های به دست آمده از آن است. اما از مقایسه‌ی این یافته‌ها با یافته‌های شیوه‌ی کیفی نیز به عنوان یک شیوه‌ی جنبی جهت اطمینان بیشتر استفاده شده است. داده‌ها و تحلیل‌های آماری بخش بزرگی از اطلاعات مورد نیاز جهت بررسی اجتماعی را به دست می‌دهند و با وجود کاستی‌هایی که، همچون هر روش پژوهشی دیگر دارند، به دلایلمزایایی که دارند همچنان مورد توجه پژوهشگران عرصه‌های اجتماعی هستند.

جامعه‌ی مورد مطالعه: این مطالعه یک بررسی در بستر جامعه‌ی فارسی‌زبانان ایران است؛ البته با توجه به گستردگی جامعه‌ی مورد بررسی، ویژگی‌های مورد نظر در این جامعه همگن در نظر گرفته شده و نمونه‌های در دسترس به عنوان نماینده‌ی جامعه مطالعه شده‌اند. در کار حاضر اینکه فارسی، زبان مادری مشارکان هست یا نه مورد توجه قرار نگرفته و صرفاً گویشور زبان فارسی بودن معیار است. ویندفوهر و پری (Windfuhr and Perry, 2009:418) جمعیت گویشوران بومی زبان فارسی را در ایران ۳۵/۷ میلیون نفر دانسته‌اند، البته از آنجا که جمعیت مورد نظر ما تنها گویشوران تک‌زبانه‌ی فارسی زبان نبوده، جمعیت مورد نظر بسیار بیش از این عدد خواهد بود. با توجه به داده‌های مرکز آمار ایران^۲ می‌توان برآورد کرد که جامعه‌ی مورد نظر ما بیش از ۴۰ میلیون جمعیت خواهد داشت.

۱.۳ حجم نمونه

با توجه به جمعیت جامعه و با تکیه بر جدول مورگان (Krejcie and Morgan, 1970)، حجم نمونه‌ی مورد بررسی برای شیوه‌ی پیمایشی باید بیش از ۳۸۴ نفر باشد. از این رو و با توجه به اینکه دو نوع پرسش‌نامه‌ی کاغذی و بر خط (ایترنتی) مورد استفاده قرار گرفته، در مجموع از ۱۰۲ پرسش‌نامه‌ی کاغذی و ۳۱۰ پرسش‌نامه‌ی ایترنتی استفاده شده تا حجم قابل اطمینان ۴۱۲ نمونه در دست باشد.

۲.۳ شیوه‌ی گردآوری داده‌ها

برای شیوه‌ی پیمایشی استفاده از پرسش‌نامه مد نظر قرار گرفته و ارائه‌ی پرسش‌نامه خود با دو روش کاغذی و ایترنتی انجام شده است. در ابتدای کار پرسش‌های مورد نظر مورد بررسی و دسته‌بندی قرار گرفت تا نسبت به کارآمد بودن آنها اطمینان نسبی وجود داشته باشد. پاسخ‌های پیشینی شده در پرسش‌نامه‌ها بر مبنای مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت طراحی شدند. در مقیاس مذکور پنج گزینه شامل: خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم به عنوان پاسخ‌ها در نظر گرفته شده بودند که مشارک با توجه به میزان پذیرفتنی بودن هر جمله یکی از این گزینه‌ها را انتخاب می‌کرد. خیلی زیاد برای پذیرفتنی‌ترین جمله و خیلی کم برای ناپذیرفتنی‌ترین جمله در نظر گرفته شده است. در تحلیل‌های آماری جهت عددی کردن داده‌ها به گزینه‌های مذکور نمره‌های یک تا پنج به نسبت داده شد، یعنی به ترتیب نمره‌ی یک برای گزینه‌ی خیلی زیاد و نمره‌ی پنج برای گزینه‌ی خیلی کم. در مرحله‌ی بعد از ۲۰ نسخه پرسش‌نامه‌ی کاغذی به عنوان طرح آزمایشی (پایلوت) استفاده شد. از نتایج به دست آمده چنین استنتاج شد که پرسش‌نامه‌ها توان ایجاد داده‌های لازم برای نتیجه‌گیری را دارند. از این رو تنها با ایجاد تغییر در چیدمان سوالات، نسخه‌ی نهایی پرسش‌نامه‌ها به دست آمد. پرسش‌های نهایی به شرح جدول ۱ بوده است (در این جدول تنها ده جمله از چهل و دو جمله‌ی پرسش‌نامه آمده و از ذکر جمله‌های پرکننده و جمله‌هایی که تحلیل آنها در مقاله‌ی حاضر ارائه نشده، خودداری شده است).

تأثیر جنسیت بر باز نمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۱۷

جدول ۱: پرسش‌های ارائه شده در پرسش‌نامه به ترتیب و با شماره (شماره پرسش‌هایی که در جدول زیر نیامده مربوط به پرسش‌های پرکننده و همچنین پرسش‌هایی است که تحلیل آنها در مقاله‌ی حاضر ارائه نشده).

شماره‌ی پرسش در پرسش‌نامه	متن پرسش
۳	استاد ما آلمانی است، اما خیلی منظم نیست.
۴	ماریا ایرانی نیست، اما آدم خوبی است.
۶	آن مرد خارجی است، اما کار خلاف هم می‌کند.
۱۱	این دوست من خارجی است، اما آدم خیلی خوبی است.
۱۶	این دوست من خارجی است، اما تحصیلات زیادی ندارد.
۱۹	سازنده‌ی این ساختمان خارجی است، اما ساختمانی که ساخته کیفیت خوبی دارد.
۲۱	همسر فاطمه خارجی است، اما مرد خوبی نیست.
۲۲	آن کارگر افغان است، اما خیلی خوب کار می‌کند.
۲۶	همسر رضا خارجی است، اما آدم روراستی نیست.
۴۲	سرایدار آن برج افغان است، اما قابل اعتماد است.

فرایند گردآوری داده‌ها طی تابستان سال ۱۳۹۷ انجام گرفت، بدین گونه که پرسش‌نامه‌ی کاغذی نهایی با ۴۲ پرسش در شش صفحه تهیه گردید و در محل‌های مختلف بین مشارکان توزیع شد. نسخه‌ی برخط پرسش‌نامه از نظر پرسش‌ها و چیدمان آنها عیناً مشابه پرسش‌نامه‌ی کاغذی بود و تنها تفاوت در شیوه‌ی ارائه به مشارکان بود. برای تهیه‌ی این پرسش‌نامه از خدمات سایت اینترنتی کافه پردازش^۳ استفاده شد. قابل توجه اینکه با عنایت به این موضوع که پرسش‌نامه‌های مورد استفاده برای طرحی بزرگتر تهیه شده بود، علاوه بر پرسش‌های پرکننده و پرسش‌هایی که نگاه افراد را به خارجی‌ها می‌سنجیده‌اند، حاوی پرسش‌هایی برای سنجش نگاه به نقش اجتماعی زنان و مردان نیز بوده‌اند، اما این پرسش‌ها در مقاله‌ی حاضر مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. نتایج بررسی سایر جملات که در پژوهش کلی مورد تحلیل شده‌اند، می‌تواند در مقالات دیگری به طور جداگانه ارائه گردد. ایده‌ی کلی در طراحی این پرسش‌نامه استفاده از آزمون اما به عنوان یک ابزار زبانی بوده که با توجه به برآورد مشارکان از میزان پذیرفتنی بودن یک جمله، کلیشه‌های اجتماعی آنها را به دست می‌دهد.

۳.۳ روش‌های آماری

جهت توصیف ابتدایی داده‌ها و درک اینکه آیا پاسخ‌ها به سمت خاصی از مقیاس تمایل دارند یا نه، از شاخص آماری میانگینکه متداول‌ترین سنجی گرایش به مرکز است (کرامر، ۱۳۸۴: ۲۹) استفاده شده و سپس برای بررسی اینکه آیا تفاوت‌های موجود از نظر آماری معنی‌دار هستند یا نه، آزمون‌های آماریمشروح زیر مورد استفاده قرار گرفته است. میانگین هر داده برای هر دو گروه جنسیتی به دست آمده و با در نظر گرفتن امتیاز ۳ به عنوان پاسخ خنثی، بررسی شده که آیا انحراف معنی‌داری در پاسخ‌های هر گروه نسبت به پاسخ خنثی وجود دارد یا نه. جهت بررسی معنی‌داری تفاوت میان میانگین پاسخ‌ها با پاسخ خنثی از آزمون تی (t) تک نمونه‌ای استفاده شده و برای بررسی اینکه آیا ارتباطی میان جنسیت پاسخ‌گویان و پاسخ‌هایشان وجود دارد یا نه از آزمون تی (t) برای دو نمونه‌ی غیرمرتبط استفاده شده است. این آزمون تعیین می‌کند که آیا میانگین‌های دو نمونه‌ی غیرمرتبط با هم متفاوتند یا خیر (کرامر، ۱۳۸۴: ۱۱۱). شایان ذکر است تمامی آزمون‌هایی که در دسته آزمون‌های پارامتری هستند، برای به کار بردن این دست آزمون‌ها ملاحظات و وجود دارد، چنانکه کرامر (۱۳۸۴: ۵۱) می‌گوید: یکی از مسائل حل نشده در آمار، این پرسش است که چه موقع باید به جای آزمون‌های غیرپارامتریک از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. برخی نویسندگان استدلال می‌کنند که از آزمون‌های پارامتریک فقط زمانی باید استفاده کرد که داده‌ها سه شرط زیر را داشته باشند: (۱) متغیرها با مقیاس فاصله‌ایا نسبی اندازه‌گیری شده باشند؛ (۲) نمونه‌ها از جمعیت‌هایی بیرون کشیده شده باشند که واریانس آنها برابر یا متجانس باشد و (۳) توزیع آنها نرمال باشد. این امر که آیا این سه شرط قبل از به کارگیری آزمون‌های پارامتری بایستی تحقق یابند یا نه؟ به طور جدی مورد سوال است. همانگونه که می‌بینیم لزوم تحقق شرایط استفاده از این آزمون‌ها حتی میان متخصصین آمار مورد تردید است، از دیگر سو با توجه به بزرگی جامعه‌ی مورد بررسی و همچنین تعداد نسبتاً مناسب نمونه‌ی گرفته شده، می‌توان تحقق شروط دوم و سوم را برای این پژوهش تأیید کرد و با توجه به استفاده از مقیاس لیکرت با نمره‌های یک تا پنج برای سطح قابل قبول بودن جمله‌ها می‌توان تحقق شرط اول را نیز در نظر گرفت.

۴. داده‌های پژوهش

۱.۴ توصیف داده‌ها

همانگونه که در توضیح روش پژوهش آمد، داده‌های کمی این پژوهش از طریق پرسش‌نامه به دست آمده است. پرسش‌نامه‌ها از دو طریق دستی (کاغذی) و اینترنتی به مشارکان ارائه شد. در مجموع ۴۱۲ نسخه پرسش‌نامه برای این تحقیق گردآوری شده است. از این تعداد ۵ نسخه به دلایل مختلف (خارج بودن از دامنه‌ی سنی، تعداد خیلی زیاد پرسش بی پاسخ، جواب‌های یکسان به پرسش‌ها و ...) می‌توانستند از تحلیل‌ها کنار گذاشته شوند، اما با توجه به حجم قابل قبول داده و اینکه این تعداد نمی‌توانست نتایج را خیلی تغییر دهد، به قضاوت‌های شخصی در انتخاب نمونه‌ها تکیه نشد و از همه‌ی داده‌ها برای توصیف و تحلیل استفاده شد. از مجموع پرسش‌نامه‌های کاغذی، ۵۱ نسخه توسط خانم‌ها و ۵۱ نسخه توسط آقایان تکمیل شده. همچنین تعداد خانم‌ها و آقایان پاسخگو از نوع اینترنتی به ترتیب ۱۷۶ و ۱۳۴ بوده است. این داده‌ها در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب جنسیت

پرسش‌نامه کاغذی	پرسش‌نامه برخط	
۵۱	۱۷۶	خانم‌ها
۵۱	۱۳۴	آقایان

همانطور که از جدول ۲ مشخص است، توزیع جنسیتی مشارکان این پژوهش نسبتاً مناسب و قابل قبول است. به ویژه در پرسش‌نامه‌های کاغذی که پاسخ‌گویان آن می‌توانستند مورد انتخاب پژوهشگر قرار گیرند و از این رو کنترل بیشتری بر چگونگی توزیع آنها وجود داشته، توزیع بهتر و متناسب‌تر اتفاق افتاده است. اما در پرسش‌نامه‌های اینترنتی که پاسخ‌گویان داوطلبانه و اتفاقی به آنها جواب داده‌اند توزیع کمی ناهمگون‌تر است، اما همچنان این توزیع هم می‌تواند قابل قبول باشد.

در فرایند توصیف داده‌ها نخست میانگین نمره‌های داده شده به هر پرسش توسط کل پاسخ‌گویان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. این شاخص می‌تواند معیاری از نگاه کلی به میزان درستی هر جمله توسط جامعه‌ی فارسی زبان را به ما بدهد که می‌تواند دست‌مایه‌ی تعیین کلیشه‌ها (پیش‌نمونه‌های اجتماعی) باشد. در واقع اگر جمله‌ای به طور میانگین نمره‌ی خیلی بالایی از جمعیت شرکت‌کننده گرفته باشد، می‌توان ساختار منطقی آن جمله

را منطبق بر کلیشه‌های جامعه (پیش‌نمونه‌های اجتماعی) دانست و در صورتی که جمله‌ای به طور میانگین نمره‌ی خیلی کمی از مشارکان گرفته باشد به احتمال زیاد ساختار منطقی آن جمله در جهت کلیشه‌های جامعه نبوده است. در صورتی که پرسش‌ها را به ترتیب از کمترین نمره‌ی میانگین به بیشترین نمره‌ی میانگین مرتب کنیم به جدول ۳ خواهیم رسید؛ جملات بالای این جدول از سوی پاسخ‌گویان پذیرفتنی‌ترین و جملات پایین آن ناپذیرفتنی‌ترین جملات تشخیص داده شده‌اند:

جدول ۳: جملات بر حسب میانگین صعودی نمره از سوی همه‌ی پاسخ‌گویان (شماره پرسش‌هایی که در جدول زیر نیامده مربوط به پرسش‌های پرکننده و همچنین پرسش‌هایی است که تحلیل آنها در مقاله‌ی حاضر ارائه نشده).

رتبه	شماره پرسش	رتبه	شماره پرسش
۱۲	۴۲	۲۴	۱۹
۱۵	۲۲	۲۷	۲۶
۱۸	۴	۲۸	۱۶
۱۹	۳	۳۰	۶
۲۲	۱۱	۳۲	۲۱

تعداد زیادی از جمله‌های پرکننده در بالای جدول قرار داشته‌اند، یعنی از سوی پاسخ‌گویان پذیرفتنی ارزیابی شده‌اند، البته بررسی جملات پرکننده جزء اهداف مقاله‌ی فعلی نیست و خود می‌تواند جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. میانگین نمره‌ی داده شده به هر پرسش بر حسب جنسیت افراد می‌تواند نمایی کلی از میزان تفاوت نگاه زنان و مردان به درستی جملات ما ایجاد کند. نمره‌های داده شده به پرسش‌ها توسط پاسخ‌گویان مرد و زن به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴: میانگین نمرات داده شده به پرسش‌ها به تفکیک جنسیت (شماره پرسش‌هایی که در جدول زیر نیامده مربوط به پرسش‌های پرکننده و همچنین پرسش‌هایی است که تحلیل آنها در مقاله‌ی حاضر ارائه نشده).

شماره‌ی پرسش	زنان		مردان	
	تعداد نمونه	میانگین	تعداد نمونه	میانگین
۳	۲۲۷	۲/۹۶	۱۸۴	۳/۰۱
۴	۲۲۷	۳/۰۵	۱۸۴	۲/۷۵
۶	۲۲۷	۳/۳۴	۱۸۳	۳/۱۹

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۲۱

۲/۹۸	۱۸۵	۳/۰۴	۲۲۶	۱۱
۳/۰۳	۱۸۵	۳/۴۴	۲۲۷	۱۶
۲/۹۶	۱۸۵	۳/۱۷	۲۲۷	۱۹
۳/۲۹	۱۸۵	۳/۵۵	۲۲۷	۲۱
۲/۷۲	۱۸۵	۲/۸۵	۲۲۶	۲۲
۳/۰۹	۱۸۵	۳/۲۸	۲۲۶	۲۶
۲/۶۸	۱۸۴	۲/۶۱	۲۲۷	۴۲

۲.۴ تحلیل داده‌ها

در این بخش به ترتیب ابتدا میزان قابل پذیرش بودن جمله‌ها از سوی همه‌ی مشارکان و سپس تأثیر جنسیت در نگاه به میزان قابل پذیرش بودن را مورد بررسی قرار داده‌ایم. طبق آزمون آماری به کار گرفته شده (آزمون تی تک‌متغیره)، جمله‌های جدول ۵، جمله‌هایی بوده‌اند که نگرش مشارکان به خارجی‌ها را می‌سنجیده‌اند و در سطح معنی‌داری نود و پنج درصد نمره‌ی میانگین متمایز از سه (یعنی به شکل معنی‌داری نمره‌ی بیشتر یا کمتر از نمره‌ی خشتی داشته‌اند) توسط ایشان دریافت کرده‌اند:

جدول ۵: پرسش‌های دارای پاسخ متمایز از میانه در خصوص خارجی‌ها

شماره‌ی پرسش	متن پرسش	نمره‌ی میانگین
۳	استاد ما آلمانی است، اما خیلی منظم نیست.	۳/۴۳
۶	آن مرد خارجی است، اما کار خلاف هم می‌کند.	۳/۵۵
۱۹	سازنده‌ی این ساختمان خارجی است، اما ساختمانی که ساخته کیفیت خوبی دارد.	۲/۷۲
۲۱	همسر فاطمه خارجی است، اما مرد خوبی نیست.	۳/۴۲
۲۲	آن کارگر افغان است، اما خیلی خوب کار می‌کند.	۲/۵۲
۲۶	همسر رضا خارجی است، اما آدم روراستی نیست.	۳/۳۲
۴۲	سرایدار آن برج افغان است، اما قابل اعتماد است.	۲/۵۹

در میان جملاتی که طبق آزمون‌های آماری به شکل معنی‌داری نمرات متمایز از میانه داشتند و به نگرش نسبت به خارجی‌ها مربوط می‌شدند، جملات جدول ۶ به ترتیب کمترین نمرات را گرفته بودند، این جملات به ترتیب پذیرفتنی‌ترین جملات از سوی پاسخ‌گویان بوده‌اند:

جدول ۶: پذیرفتنی‌ترین جملات از سوی پاسخ‌گویان در خصوص نگرش به خارجی‌ها

شماره‌ی پرسش	متن پرسش	نمره‌ی میانگین
۴۲	سرایدار آن برج افغان است، اما قابل اعتماد است.	۲/۶۴
۲۲	آن کارگر افغان است، اما خیلی خوب کار می‌کند.	۲/۷۹

این جملات نشانگر نگاه نسبتاً منفی به اتباع افغانستان هستند. در جمله‌ی چهل و دو پیش‌فرض این بوده که سرایدار افغان برج قابل اعتماد نخواهد بود، اما فرد مورد نظر ما قاعده را نقض کرده و مورد اعتماد است. در جمله‌ی بیست و دو نیز فرض بر آن بوده که کارگر افغان خوب کار نمی‌کند (که این خود نیز عجیب است، چراکه شاید کاری بودن یکی از پیش‌فرض‌های اجتماع ما در مورد افغان‌ها باشد، که البته این موضوع خود نیز باید سنجیده شود.)، اما کارگر مثال ما بر خلاف انتظار خوب کار می‌کرده. با مرتب کردن جملاتی از میان همان جملات که نمره‌ی متمایز داشتند بر حسب بیشترین امتیاز به جدول ۷ دست پیدا خواهیم کرد که نشان‌دهنده‌ی ناپذیرفتنی‌ترین جملات از سوی پاسخ‌گویان است:

جدول ۷: ناپذیرفتنی‌ترین جملات از سوی پاسخ‌گویان در خصوص نگاه به خارجی‌ها

شماره‌ی پرسش	متن پرسش	نمره‌ی میانگین
۲۱	همسر فاطمه خارجی است، اما مرد خوبی نیست.	۳/۴۳
۶	آن مرد خارجی است، اما کار خلاف هم می‌کند.	۳/۲۸
۱۶	این دوست من خارجی است، اما تحصیلات زیادی ندارد.	۳/۲۶
۲۶	همسر رضا خارجی است، اما آدم روراستی نیست.	۳/۲۰

در جمله‌ی شماره‌ی بیست و یک می‌بینیم که همسر فاطمه به عنوان یک خارجی باید آدم خوبی باشد، اما بر خلاف انتظار این طور نیست. طبق جمله‌ی شش یک مرد خارجی نباید کار خلاف بکند، اما بر خلاف قاعده مرد جمله‌ی ما این کار را می‌کند. در جمله‌ی شانزده دوست خارجی من باید تحصیلات زیادی داشته باشد، اما این دوست چنین نیست. طبق پیش‌فرض جمله‌ی بیست و شش همسر خارجی رضا باید آدم روراستی باشد، اما بر خلاف انتظار او چنین نیست.

تأثیر جنسیت بر باز نمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۳۳

یکی از سوالات اصلی این پژوهش آن است که جنسیت افراد بر پاسخ‌های آنها به پرسش‌نامه چه تأثیری دارد. با استفاده از آزمون آماری تی (t) دو نمونه‌ی مستقل با سطح اطمینان نود و پنج درصد خواهیم دید آیا بین میانگین نمراتی که زنان و مردان به پرسش‌ها داده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد یا نه. برای این کار فرض صفر و فرض مقابل را به صورت زیر تعریف می‌کنیم:

H0: میانگین نمره‌های داده شده به هر پرسش توسط زنان و مردان برابر است.

H1: میانگین نمره‌های داده شده به هر پرسش توسط زنان و مردان برابر نیست.

پرسش‌هایی که طبق آزمون فوق در پاسخ به آنها تفاوت معنی‌دار میان زنان و مردان وجود داشته به شرح جدول ۸ هستند:

جدول ۸: پرسش‌های دارای جواب متمایز از سوی زنان و مردان در خصوص خارجی‌ها

نمره‌ی میانگین	متن پرسش		شماره‌ی پرسش
	مردان	زنان	
۳/۰۸	۳/۴۱	این دوست من خارجی است، اما تحصیلات زیادی ندارد.	۱۶
۳/۳۰	۳/۵۵	همسر فاطمه خارجی است، اما مرد خوبی نیست.	۲۱

جمله‌ی شانزده می‌گوید دوست خارجی من باید تحصیلات زیادی داشته باشد، اما بر خلاف قاعده چنین نیست و تحصیلات زیادی ندارد. جمله‌ی بیست و یک نیز این پیش‌فرض را در بر دارد که همسر خارجی فاطمه باید مرد خوبی باشد، اما بر خلاف انتظار چنین نیست.

داده‌های کیفی: گفت‌وگوها طی دو جلسه در یک جمع خانوادگی و یک جمع دوستانه با افرادی در سطوح تحصیلات، جنسیت و سنین مختلف انجام شد. متن پیاده شده‌ی گفتگوها حاکی است که همسو با نظر متخصصان، بیشتر مشارکان بر این نکته که جملات دو بندی که با حرف ربط *اما* به هم متصل شده‌اند، در صورتی مورد پذیرش واقع می‌شوند که بند دوم آنها نافی بند اول باشد. همچنین بیشتر افرادی در گفت‌وگوها موافق هستند که پیش‌زمینه‌های فرهنگی در خصوص اینکه کدام بندها همدیگر را نفی می‌کنند و یا نمی‌کنند موثر هستند. به ویژه در خصوص مثال زیر تقریباً همه موافق هستند که برداشت شنونده از غیرعادی بودن جمله اول و عادی بودن جمله‌ی دوم تحت تأثیر نگاه او و در واقع پیش‌زمینه‌ی فرهنگی است:

آن مرد رشتی (همدانی) است، اما آدم منظمی نیست.

آن مرد آلمانی است، اما آدم منظمی نیست.

همانطور که می‌بینیم این دو جمله از نظر ساخت زبانی تقریباً یکسان هستند، اما اغلب گویشوران فارسی جمله‌ی اول را ناپذیرفتنی و جمله‌ی دوم را پذیرفتنی ارزیابی می‌کنند. این مثال در گفت‌وگوها بسیار برای افراد روشنگر بود. در خصوص تأثیر جنسیت، بسیاری از افراد حاضر در گفت‌وگوها نظر خیلی واضح و دقیقی ندارند، در واقع به نظر می‌رسد افراد برآورد روشنی در این خصوص ندارند که اینعامل در نوع نگاه افراد و به تبع آن برآورد آنها نسبت به جملات چگونه تأثیری دارد، البته این موضوع تا حدودی هم طبیعی به نظر می‌رسد؛ چراکه چنین مقوله‌ای نمی‌تواند به راحتی در معرض دید همگان قرار داشته باشد. آنچه از مکالمات انجام شده توسط پژوهشگر طی دوره‌ی جمع‌آوری داده استنباط شد این بود که در خصوص نگاه به خارجی‌ها افراد نسبتاً واضح جملات را ارزیابی می‌کنند و خیلی افراد حتی از اینکه به وضوح یک خارجی را برتر یا منظم‌تر بدانند ابا ندارند و گاهی با جملاتی چون **نظر ما اینه که خارجی خوبه!** یا مشابه آن روبه‌رو می‌شویم که می‌تواند نشانگر نگاه به خارجی‌ها باشد. اغلب وقتی افراد در خصوص خارجی صحبت می‌کنند به نظر می‌رسد یک فرد اروپایی را پیش‌فرض می‌گیرند و اغلب در این خصوص مثلاً یک تبعه‌ی افغانستان یا یک کشور عربی را مد نظر ندارند. یکی از نکات جالب استنباط شده توسط پژوهشگر در این دوره آن است که به نظر می‌رسد مردان در ابراز عقاید خود در موارد فوق با جسارت بیشتری برخورد می‌کنند و زنان کمتر به وضوح درباره‌ی این موضوعات و یا نگاه‌هایشان به مسائل ذکر شده نظر قطعی و واضح می‌دهند و یا حتی گاهی خیلی نظر نمی‌دهند.

۵. نتیجه‌گیری و یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا نگرش کلی جامعه به مقوله‌ی خارجی را با توجه به پاسخ‌های گرفته شده بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی تأثیر عامل جنسیت بر این نگرش خواهیم پرداخت. یکی از مواردی که در این میان برای ما مهم است، پذیرفتنی‌ترین و ناپذیرفتنی‌ترین جملات آزمون است که می‌تواند دو سوی طیف نگاه جامعه به جملات ما را مشخص کند. این جملات با استفاده از آزمون تک نمونه‌ای استخراج شده‌اند. طبق تحلیلی که بر روی داده‌های جدول شماره‌ی ۶ انجام شد، می‌توان ادعا کرد که نقش پیش‌فرض منفی برای اتباع

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۲۵

افغانستان و استثنا بودن حالت غیر آن از این جمله‌ها قابل استنتاج است. اما در خصوص سایر خارجی‌ها (به غیر از اتباع افغانستان) جمله‌ای در این مجموعه نمی‌بینیم، پس با استفاده از این جمله‌ها در این خصوص نمی‌توان استدلال زیادی کرد، جز اینکه نگاه منفی به سایر اتباع بیگانه به اندازه‌ی افغان‌ها پررنگ نبوده که باعث شود آن جملات نیز در این مجموعه قرار بگیرند. از سوی دیگر با توجه به یافته‌های حاصل از جدول شماره‌ی ۷ هر چهار جمله‌ی این دسته حاوی یک پیش‌فرض مثبت که به طور استثنایی نقض شده، برای افراد خارجی بوده‌اند؛ اما تمامی آنها از سوی پاسخ‌گویان ما به نسبت ناپذیرفتنی انگاشته شده‌اند. این بدان معنی است که پیش‌فرض‌های مثبت در خصوص افراد خارجی برای مشارکان ما قابل قبول نبوده است.

هنگامی که در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش بر آمدیم که نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها تا چه میزان بازنمود زبانی دارد، فرض ما این بود که این‌نگرش جامعه نیز بازنمود زبانی قابل توجه و قابل اندازه‌گیری خواهد داشت، همانطور که از یافته‌های پژوهش پیداست جملات مربوط به سنجش نگرش به خارجی‌ها نیز به طور قابل ملاحظه‌ای در صدر جدول پاسخ‌های متمایز از میانه‌ی ما بودند. پس می‌توان گفت نگاه به خارجی‌ها در جامعه‌ی فارسی زبان بازنمود زبانی داشته و این فرضیه تأیید شده است.

با بررسی پرسش‌هایی که از سوی زنان و مردان پاسخ‌های متفاوتی گرفته‌اند، تلاش کرده‌ایم به تأثیر عامل جنسیت در پاسخ‌گویی مشارکان پی ببریم. این جملات با استفاده از آزمون t برای دو متغیر مستقل استخراج شده‌اند. از میان پرسش‌هایی که طبق جدول شماره‌ی ۸ شکلی معنی‌داری پاسخ متمایز از سوی زنان و مردان دریافت کرده بودند، هر دو جمله در تضاد با پیش‌انگاره‌ی مثبت از خارجی‌ها است. در اولین جمله فرض بر آن بوده که تحصیلات زیادیک پیش‌فرض برای خارجی‌ها است و در دومی فرض بر آن بوده که مرد خوب بودن برای یک همسر خارجی پیش‌فرض است، اما هردوی این جملات از سوی مشارکان خیلی پذیرفتنی دیده نشده‌اند و حتی نزد زنان بیشتر هم ناپذیرفتنی بوده‌اند. پس می‌توان گفت پیش‌فرض‌های مثبت برای خارجی‌ها از سوی زنان کمتر پذیرفتنی بوده است. از دیگر سو از میان جملات پرسش‌نامه، هیچ‌یک از جملاتی که در خصوص نگاه به خارجی‌ها بوده‌اند از سوی مردان نمره‌ی بیشتری نسبت به زنان دریافت نکرده‌اند، یعنی هیچ‌یک از پرسش‌های مربوط به خارجی‌ها از سوی مردان به نسبت ناپذیرفتنی‌تر برآورد نشده و یا برعکس از سوی زنان ناپذیرفتنی‌تر دانسته نشده است.

برای پاسخ به این پرسش که تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها چگونه است، چنین فرض کرده بودیم که نگرش‌های پیش‌فرض (مثبت به افراد خارجی از کشورهای توسعه‌یافته و منفی به کشورهای توسعه‌نیافته) نزد زنان بازنمود زبانی بیشتری دارد. از آنچه در بخش تحلیل داده‌ها استنباط کردیم این‌گونه برداشت می‌شود که به طور کلی نگاه نسبتاً منفی به اتباع بیگانه از سوی زنان حتی از مردان نیز بیشتر است. اما در خصوص نگاه به اتباع کشورهای کمتر توسعه‌یافته، به نظر می‌رسد تمایز چندانی میان بازنمود زبانی زنان و مردان وجود ندارد.

شایان توجه آنکه در بخش داده‌های کیفی دیدیم برخی نگرش‌ها در جامعه‌ی مورد مطالعه و همچنین تفاوت‌های موجود میان مردان و زنان در ابراز زبانی این نگرش‌ها قابل تشخیص است، اما آزمون کمی به کار رفته در روش پیمایشی ما توانایی استخراج آنها را نداشته است. البته این موضوع در هر پژوهش اجتماعی با توجه به ابعاد و پیچیدگی‌های موضوع مورد مطالعه، طبیعی است و مسلماً نمی‌توان تمامی جزئیات یک پدیده‌ی اجتماعی را با استفاده از یک روش خاص استخراج نمود.

با توجه به تمامی تحلیل‌هایی که در طول این پژوهش انجام دادیم اکنون به عنوان یکی از نتایج مهم و نهایی کار انجام شده، می‌توانیم ادعا کنیم آزمون اما تا حدود زیادی توان تشخیص پیش‌فرض‌های اجتماعی را دارد و جملاتی که با اختلاف زیاد نمره‌های دور از میانه داشته‌اند موید این موضوع است. از دیگر سو همانطور که دیدیم این آزمون تمایز میان گروه‌های جنسیتی را هم در بسیاری موارد نشان داد. هرچند شاید برای کاربرد چنین آزمونی نیاز به تحقیق و تجربه‌ی بیشتری باشد، اما می‌توان گفت آزمون اما به عنوان یک ابزار زبانی در پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی شناختی برای جامعه‌ی فارسی زبان می‌تواند به کار رود و این خود یکی از دستاوردهای قابل توجه پژوهش حاضر است. بر این اساس بررسی پایایی و روایی آزمون به کار رفته در این تحقیق میدانی و استانداردسازی آن می‌تواند برای پژوهش‌های بعدی مورد توجه قرار گیرد. همچنین با بررسی نگرش‌های مختلف اجتماعی و تأثیر پارامترهای متفاوت بر آنها، می‌توان شبکه‌ای از آنها ایجاد نمود و یافته‌های یک‌پارچه شده را برای تحلیل‌های اجتماعی و زبانی پیچیده‌تر به کار برد.

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۲۷

پی‌نوشت‌ها

۱. این اثر با نام قلمرو تازه‌ی علوم شناختی: آنچه مقوله‌ها درباره‌ی ذهن فاش می‌کنند به فارسی منتشر شده است.

2. <https://www.amar.org.ir>

3. <http://www.cafepardazesh.ir>

کتاب‌نامه

- داوری اردکانی، نگار، محمدرضا رضائیان‌دلویی و حسین‌مغانی. ۱۳۸۹. "مطالعه‌ی تطبیقی نگرش‌های زبانی فارسی‌زبانان به دو زبان فارسی و انگلیسی با توجه به موضوع جهانی شدن". *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۴۲، سال یازدهم، شماره‌ی ۲: ۸۱-۱۰۴.
- سوسور، فردینان دو. ۱۳۹۲. *دوره‌ی زبان‌شناسی عمومی*. ترجمه‌ی: کورش صفوی. تهران: هرمس.
- صفا، مقدم، احمد و آتوسارستم‌بیکتفرشی. ۱۳۹۶. "بررسی‌ادراک‌گوشورافارسی زبان از تنوع‌سبکی در زبان فارسی". *جستارهای زبانی*. پیاپی ۴۲، د ۸، ش ۷: ۳۱۴-۲۹۱.
- قلیغامیان، علیرضا. ۱۳۹۵. "گوش‌شناسی ادراکی؛ مطالعه‌ای موردی از ترکی آذری در شهرستان شبستر". *جستارهای زبانی*، دوره ۷، شماره ۶ (پیاپی ۳۴)، ویژه‌نامه پاییز، آذر و دی ۱۳۹۵، صفحه ۷۳-۹۶.
- کرامر، دانکن. ۱۳۸۴. *درآمدی بر کاربرد آمار در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه‌ی: یحیی‌علی‌بابایی و امیرملکی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کوچش، زولاتان. ۱۳۹۵. *زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای مفید و کاربردی*. ترجمه‌ی: جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: انتشارات آگاه.
- لیکاف، جورج. ۱۳۹۵. *قلمرو تازه‌ی علوم شناختی: آنچه مقوله‌ها درباره‌ی ذهن فاش می‌کنند*. کتاب یکم. ترجمه‌ی: جهان‌شاه میرزاییگی. تهران: انتشارات آگاه.
- مظفری، شراره. ۱۳۹۳. *نگرش گویشوران استان فارس نسبت به گونه‌ی شیرازی و گونه‌ی معیار فارسی: پژوهشی اجتماعی-شناختی درباره‌ی تنوعات گونه‌های (لکتال) فارسی‌رساله‌ی دکتری به راهنمایی: یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.
- نظری باوندپور، احسان. ۱۳۹۷. *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، به راهنمایی: یحیی مدرس. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*.
- وارداف، رونالد. ۱۳۹۳. *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه‌ی: رضا امینی. تهران: بوی کاغذ.

Bakar, Kesumawati A. 2014. "ATTITUDE and Identity Categorizations: A Corpus-based Study of Gender Representation". *Social and Behavioral Sciences*, 2014 (112) 747-756.

- Bendix, Edward H. 1966. *Componential Analysis of General Vocabulary: The Semantic Structure of a Set of Verbs in English, Hindi, and Japanese*. The Hague.
- Bickel, Balthasar. 2000. "Grammar and social practice: On the role of 'culture' in linguistic relativity". In Susanne Niemeier and Rene´ Dirven (eds.): *Evidence for linguistic relativity*. Amsterdam: John Benjamins, 161–91.
- Croft, William and D. Alan Cruse. 2004. *Cognitive Linguistics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cruse, Alan D. 1986. *Lexical Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Dirven, Rene´, Hans-georg Wolf and Frank Polzenhagen. 2007. "Cognitive Linguistics and Cultural Studies". In Dirk Geeraerts and Hubert Cuyckens (eds): *Cognitive Linguistics*. New York: Oxford University Press, 1203-1221.
- Evans, Vyvyan and Melanie Green. 2006. *Cognitive Linguistics an Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Geeraerts, Dirk. 2018. *Ten Lectures on Cognitive Sociolinguistics*. Leiden/Boston: Brill.
- Geeraerts, Dirk and Hubert Cuyckens. 2007. "The Oxford Handbook of Cognitive Linguistics". New York: Oxford University Press.
- Gibbs, Raymond W. Jr. 1990. "Psycholinguistic Studies on the Conceptual Basis of Idiomaticity". *Cognitive Linguistics (includes Cognitive Linguistic Bibliography)*, Volume 1, Issue 4, 417-452. Walter de Gruyter.
- Gibbs, Raymond W. Jr. 2017. *Metaphor Wars*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Gueunier, N. 2003. "Attitudes and representations in sociolinguistics: theories and practice". *International Journal of the Sociology of Language*, 2003(160), 41-62.
- Hellinger, Marlis and HadumodBußmann. 2001. *Gender Across Languages*. Amsterdam: John Benjamins.
- Ianos, Maria Adelina. 2014. *Language attitudes in a multilingual and multicultural context: The case of autochthonous and immigrant students in Catalonia*. Doctoral Dissertation, Coordinated by: JuditJanés and CecilioLapresta. Lleida:University of Lleida.
- Katz, Jerrold J. 1967. "Some Remarks on Quine on Analyticity", *Journal of Philosophy*. Volume 64, 36-52.
- Krauss, Robert M. and Chi-Yue Chiu. 1998. "Language and Social Behavior". In D. Gilbert, S. Fiske & G. Lindsey (Eds.), *Handbook of social psychology* (4h ed.), Vol. 2. 41-88. Boston: McGraw-Hill.
- Krejcie Robert V. and Daryle W. Morgan. 1970. "Determining Sample Size for Research Activities". *Educational and Psychological Measurement*. Volume 30, Issue 3, 607-610. SAGE.
- Lakoff, George. 1987. *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reviled about the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Levon, Erez. 2014. "Categories, stereotypes, and the linguistic perception of sexuality". *Language in Society*, 2014 (43), 539–566.
- Lipka, Leonhard. 1972. *Semantic Structure and Word-Formation*. München: Wilhelm Fink Verlag.

تأثیر جنسیت بر بازنمود زبانی نگرش جامعه‌ی فارسی زبان به خارجی‌ها ۱۳۹

Moreno-Fernández, Francisco. 2017. *A Framework for Cognitive Sociolinguistics*. New York/London: Routledge.

Samarina V. V. and T. L. Poliakova. 2018. "Linguistic representation of gender stereotypes in English advertising texts". *Science and Education a New Dimension. Philology*, VI(47), Issue: 160, 2018, 56-58.

Speelman, Dirk, AdriaanSpruyt, Leen Impe, and Dirk Geeraerts. 2013. "Language Attitudes Revisited: Auditory Affective Priming". *Journal of Pragmatics*, Volume 52, June 2013, 83-92.

Weinreich, Uriel. 1966. "Explorations in Semantic Theory". in Thomas A. Sebeok (ed.): *Myth: A Symposium (A Midland Book)*. Indiana University Press, 395-477.

Windfuhr, Gernot and John R. Perry. 2009. "PERSIAN AND TAJIK". In Gernot Windfuhr (ed.): *The Iranian Languages*. Oxon: Routledge.

<https://www.amar.org.ir/>